

نامه سرگشاده به میر حسین موسوی



مازیار رازی maziar.razi@gmail.com

آقای میر حسین موسوی

بسیاری از جوانان ایران در دهمین دور انتخابات ریاست "جمهوری اسلامی" شرکت کرده و به شما به عنوان نامزد مطلوب خود رای دادند. اما این انتخاب از روی ناچاری بود. زیرا ۴ نامزد انتخاباتی از جمله خود شما توسط شورای نگهبان در واقع «انتصاب» شدند. بدون تردید اگر انتخابات از ابتدا آزاد می بود و نامزدهای انتخاباتی از گرایش های مختلف جامعه از جمله نمایندگان واقعی کارگران (مانند منصور اسالو که امروز برای حمایت از آزادی و ایجاد سندیکای مستقل کارگری در بند است) شرکت می کردند؛ آرای اکثریت مردم زحمتکش و جوانان به آنها تعلق می گرفت و نه امثال شما.

نخستین سوال جوانان از شما این است که شما که امروز مورد ارعاب و اجحافات دولت احمدی نژاد قرار گرفته اید، چرا به غیر دموکراتیک بودن کل انتخابات پیش از آن اعتراضی نکردید؟ مگر شما نمی دانستید که در انتخاباتی که تنها ۴ تن از ۴۰۰ نفر توسط شورای نگهبان انتصاب شده و هزارها تن از مخالفان دولت سرمایه داری یا سرکوب، یا ارعاب و یا در زندان بسر برده و از شرکت در ارائه نامزد انتخاباتی حذف می گردند، یک انتخابات غیر دموکراتیک است؟ چرا در تبلیغات انتخاباتی خود به این موضوع اشاره نکردید؟ آیا اگر شما به جای احمدی نژاد انتخاب می شدید، این مسئله محوری را مسکوت می گذاشتید؟ بدیهی است که تنها علتی که شما خواهان انتخاباتی دموکراتیک شده اید این است که خودتان مورد تهاجم قرار گرفته اید؟ آیا اصول دموکراسی برای همگان برای شما مفهومی ندارد؟

در بیانیه خود خطاب به مردم می نویسید: "اقداماتی که در طی این چند روز شاهد آن بوده ایم تاکنون در جمهوری اسلامی سابقه نداشته است".

آیا واقعاً شما اعتقاد دارید این نخستین بار است که ما شاهد این اقدامات در نظام جمهوری اسلامی بوده ایم؟ آقای موسوی تاریخی ۳۰ ساله جمهوری اسلامی مملو از این اقدامات بوده است. راه دور نرویم. ماه پیش (اول ماه مه امسال) قریب به ۲۰۰۰ نفر از کارگران شریف ایران در پارک لاله گرد هم آمدند تا مراسم اول ماه مه را به شکل مسالمت آمیز جشن بگیرند. همین دوستان سابق لباس شخصی شما، پیش از برگزاری مراسم به آنها تهاجم کرده و بیش از ۱۵۰ تن را بدون موجب قانونی دستگیر کردند و هم اکنون برخی از آنها هنوز در زندان هستند. پیش از آن اکثر رهبران سندیکای شرکت واحد دستگیر و مورد آزار قرار گرفته، زیرا خواهان تشکیل یک سندیکای آزاد بوده اند. سال پیش یورش به دانشجویان و زنان را به یاد می آورید؟ شلاق زدن های فعالان کارگری در کردستان را به یاد می آورید؟ آیا شما اصولاً از این وقایع اخیر در جنبش های اجتماعی آگاه بوده اید؟ اگر آگاه بوده اید (و باید به عنوان نامزد ریاست جمهوری آگاه می بودید) چرا در مقابل این اقدامات غیر دموکراتیک سکوت کردید؟ و چرا تهاجم به خود را یک اقدام "بی سابقه" اعلام می کنید؟ علت این فراموشکاری از سوی شما آشکار است، زیرا خود شما نیز در این تصمیمات غیر دموکراتیک سهیم بوده و یا در بهترین حالت اعتراضی به آنها نداشته اید.

شما در بیانیه می نویسید: "ما به عنوان کسانی که به نظام جمهوری اسلامی و قانون اساسی آن پایبندیم اصل ولایت فقیه را یکی از ارکان این نظام می دانیم و حرکت سیاسی را در چارچوب های قانونی دنبال می کنیم".

آقای موسوی! سؤال جوانان از شما این است که اگر مسبب اصلی و طراح تقلب انتخابات و سرکوب های متعاقب آن، همان ولایت فقیه باشد، چه؟ شما چگونه می توانید این تناقض در گفتار و کردار تان را حل کنید؟ با موضع گیری خامنه ای در حمایت از احمدی نژاد و مواضع زودرس و غیر قانونی او در تأیید ریاست جمهوری احمدی نژاد، امروز بر کسی از جمله شما پنهان نیست که شخص ولی فقیه خود مسبب این وقایع است. حال شما چگونه می خواهید به شخصی که خود مرتکب جرم شده است شکایت نامه بنویسید و از او انتظار داشته باشید که این وقایع رسیدگی کند؟ در انتظار جوانانی که به شما رأی داده اند، این عمل شما یک شوخی ای بیش نیست. شما چگونه می توانید از یکسو به اصل ولایت فقیه اعتقاد داشته باشید و از سوی دیگر خواهان دموکراسی در ایران باشید؟ این دو در تناقض آشکار با یکدیگرند. نقض یکی منجر به دسترسی به دیگری می شود.

آقای موسوی! شما برای برگزاری تظاهرات روز دوشنبه ۲۵ خرداد ۱۳۸۸ درخواست مجوز قانونی کردید. این مجوز به شما داده نشد و بالا فاصله ستاد انتخاباتی شما این راهپیمایی را به تعویق انداخت. البته بعداً مطلع شدید که کار از کار گذشته و توده های مردم با درخواست تعویق انداختن این راهپیمایی تن نداده، و شما تنها برای آرام کردن آنها در آن شرکت کردید. سؤال جوانان از شما این است که چرا خود را رئیس جمهور منتخب اکثریت مردم اعلام نمی کنید. مگر اعتقاد ندارید که آرای اکثریت را آورده اید؟ و تا زمان تحقق این امر چرا مردم را به اعتراضات نامحدود خیابانی دعوت نمی کنید؟ آقای موسوی شما میان دو صندلی نمی توانید تا ابد قرار بگیرید. یا باید به سوی مردمی که به شما رأی داده اند جهت گیری کنید و یا به سوی ولی فقیه (و ابزار سرکوب دولتی آن). در خدمت مردم بودن به مفهوم گسست از تمام ابزار دولتی موجود است. زیرا این دولت مشروعیت خود را به ویژه با این تقلب بزرگ میان جوانان ایران از دست داده است.

شما می گوید: "توصیه موکد و مجدد این خدمتگزار شما آن است که به صورت مسالمت آمیز و با رعایت اصل عدم برخورد مخالفت های مدنی و قانونی خود را در سراسر کشور ادامه دهید." آقای موسوی آیا اطلاع دارید که در تظاهرات دیروز حداقل ۷ نفر از حامیان شما کشته شدند و چند نفر دیگر مورد اثابت گلوله افراد موتور سوار حزبی الله قرار گرفتند؟ آیا شما می خواهید این موتور سواران جنایت کار را تحت تعقیب قانونی قرار دهید؟ آیا دولت احمدنژاد و یا دادستان تهران قرار است این افراد را محاکمه و مجازات کنند؟ اگر چنین اظهاراتی را ایراد کنید، اکثر حامیان جوان شما که دیروز در خیابان راهپیمایی می کردند با صدای بلند به شما خواهند خندید! شما که بخشی از هیئت حاکم در طول ۳۰ سال بوده اید و در مقام نخست وزیری کشور قرار داشته اید، و امروز نمی توانید حتی از حق خودتان دفاع کنید، چگونه قصد دارید از حامیان تان که دیروز در خیابان ها به دستور وزارت اطلاعات و تایید همان ولی فقیه تان به قتل رسیدند و زخمی شدن حمایت کنید.

آقای موسوی! بدیهی است که توده های مردم چه حامی شما و چه مخالف شما به صورت مسالمت آمیز در راهپیمایی شرکت می کنند. مطمئن باشید هیچ فردی با انگیزه تخریب و بهم ریزی و توطئه به تظاهرات نمی آید (تبلیغات دولت احمدی نژاد را باور نکنید). مسئله این است که زمانی که مزدوران دولت به مردم حمله ور شده و آنها را با چماق، کابل، چاقو و اسلحه از پای در می آورند، مردم بی گناه چه کنند؟ آیا شما حتی اجازه دفاع از خود را به آنها نمی دهید؟ آیا جوانان ما حق ندارند که حتی در مقابل این تهاجمات از خود دفاع کنند و کتک نخورند؟

آقای موسوی! شما به تمام این نکات خود واقف هستید؛ اما برای خوش رقصی برای ولی فقیه و بنا به درخواست مستقیم خامنه ای در ملاقات اخیرتان با او؛ می خواهید به او نشان دهید که مخالف هر گونه حرکت تند از سوی حامیان خود هستید. حتی اگر مقاومت جوانان به منظور دفاع از خود باشد!

آقای موسوی! شما بر سردرواهی قرار گرفته اید: از یکسو میان حفظ نظام سرکوبگر و تمام ابزار تحمیق آن و از سوی دیگر دفاع از مطالبات دموکراتیک میلیون ها از مردم ایران. در همین چند روز شما به وضوح نشان داده اید که با وجود از دست دادن مقام ریاست جمهوری، راه اول را برگزیده اید. شما مردم را به مبارزه علیه بی عدالتی دعوت نکردید. شما از حق دفاع از خود مردم در مقابل مزدوران دولت احمد نژاد حمایت نکردید. شما ترجیح داده اید که مردم ساکت باشند و نهایت به خانه هاشان باز گردند. شما تظاهرات روز دوشنبه را لغو کردید و تنها به منظور خاموش کردن خشم توده ها در آن شرکت کردید. به سخن دیگر، شما به دولت احمدی نژاد تمکین کرده اید.

آقای موسوی! جوانان ایران بدون رهبری شما به این مقاومت ادامه خواهند داد، همانطور که دیروز به تظاهرات آمدند. اگر هم این بار شکست متحمل شوند، مطمئن باشید نسل نوینی از توده های مردم با گسست از هر گونه اصلاح طلبی به بدیل های واقعی انقلابی روی خواهند آورد. جوانان ایران پاسخی برای مزدوران خواهند یافت. آنان رهبران خود را پیدا خواهند کرد و در مقابل این دولت یا هر دولت سرمایه داری سرکوب گر دیگر مقاومت کرده و در نهایت دولتی برای دسترسی به دموکراسی سیاسی و اقتصادی در آینده خواهند یافت. مطمئن باشید!